

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی  
گروه فلسفه و حکمت اسلامی

عنوان:

## نقد انسان شناسی نیچه ای بر مبنای انسان شناسی صدرایی

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A.)  
گرایش فلسفه و حکمت اسلامی

استاد راهنما:

دکتر رضا رسولی شریانی

استاد مشاور:

دکتر محمد حسن حیدری

نگارنده:

عباس گالش نیا دفرازی

دی 1390

صلى الله عليه وسلم

## تقدیم

با سلام و درود بر صاحب الزمان «عج» آن یگانه امان انسانها، آن جان گرانقدر، تنها تجلی خداوند بر روی زمین، تنها سالک باقی مانده بر کره خاکی، تنها امید مستضعفان عالم، تنها یادگار فاطمه و علی «ع»، تنها منتقم خون سید و سالار شهیدان کربلا، تنها منجی بشریت، این پایان نامه ی ناقابل را هدیه به ارواح پاک شهیدان 8 سال دفاع مقدس می نمایم که با نثار جانهای با ارزششان، عزت و شرف را به تمام مردم ایران زمین ارزانی داشتند.

## تقدیر و تشکر

ضمن تشکر از تمامی اساتیدی که در دوران تحصیل زحمت این حقیر بر دوششان بوده، از استاد رضا رسولی شریانی که راهنمایی این پایان نامه را بر عهده داشته و با فروتنی مثال زدنی از هیچ گونه کمک و راهنمایی به این حقیر دریغ نفرموده اند، تشکر و قدردانی می نمایم. همچنین از استاد محمد حسن حیدری که از دوره کارشناسی استاد بنده بوده اند و به عنوان استاد مشاور، من را در سیر تکمیلی پایان نامه یاری نمودند، قدردانی می نمایم. از جناب دکتر فنایی و دکتر جاهد به جهت قبول داوری این پایان نامه بسیار متشکرم.

## چکیده

انسان به عنوان پیچیده ترین موجود هستی همواره مد نظر فیلسوفان و متکلمان بوده است. ملاصدرا و نیچه از فیلسوفان برجسته جهان اسلام و دنیای غرب، از جمله اندیشمندانی هستند که ضمن تأکید بر انسان شناسی، نتایج فلسفی آن را مورد بحث قرار داده اند. انسان در هر دو اندیشه موجودی مرکب از روح و جسم است. در اندیشه صدرایی روح امری الهی و فناپذیر است و هویت حقیقی انسان را تشکیل می دهد. در اندیشه نیچه روح امری زمینی و صرفاً وسیله و ابزاری در اختیار تن است. زیرا هویت حقیقی انسان در اندیشه او تن است. ملاصدرا و نیچه خواهان تعالی انسان و فراروی او از خویشتن هستند. ثمره فراروی در اندیشه نیچه تحقق ابر انسان است و ثمره تعالی انسان در اندیشه صدرایی رسیدن به انسان کامل است. هر دو اندیشمند به دنبال جاودانه کردن انسان و رسیدن به سعادت ابدی هستند. در اندیشه صدرایی تعالی انسان در رسیدن به قرب الهی است و جاودانگی در سرای دیگری جستجو می شود. در اندیشه نیچه ای تعالی انسان در رسیدن به قدرت و جاودانه کردن لذات دنیوی است و جاودانگی در کره خاکی جستجو می شود. در تفکر صدرایی انسان موجودی اخلاق مدار، پذیرای قوانین و ارزشهای شرعی و مکلف به تکالیف الهی است و در عین حال موجودی آزاد، صاحب اراده و اختیار است. اراده او در طول اراده الهی است. در اندیشه نیچه انسان سازنده ارزش های اخلاقی، جایگزین خدا و موجودی آزاد است. اما آزادی در اندیشه او فقط با مرگ خدا معنا می یابد. معنای زندگی در اندیشه صدرایی مبتنی بر مبانی متافیزیکی است و امور متافیزیکی چون خدا، وحی و سرای آخرت معنا بخش زندگی انسان هستند. اما نیچه از آنجایی که عاشق زمین است، معنای زندگی خویش را در تحقق ابر انسان و در زندگی دنیوی جستجو می کند. انسان شناسی صدرایی مبتنی بر ایدئولوژی دینی است. در حالی که در اندیشه نیچه انسان شناسی مبتنی بر ایدئولوژی ماتریالیستی است.

**کلید واژه:** انسان شناسی، نیچه، ملاصدرا، ابر انسان، جاودانگی، آزادی.

## فهرست

1	فصل اول : کلیات و اصطلاح شناسی
2	بخش اول: کلیات
2	1-1- مقدمه
5	2-1- تعریف مسأله
6	3-1- طرح سؤال های تحقیق
6	4-1- فرضیه های تحقیق
6	5-1- سوابق پژوهشی موضوع
7	6-1- تاریخچه شناخت انسان
8	7-1- تعریف انسان شناسی
9	8-1- منشأ پیدایش انسان
9	9-1- ضرورت شناخت انسان
10	بخش دوم: اصطلاح شناسی
10	1-2- آپولون
10	2-2- آزادی
10	3-2- ابر انسان
11	4-2- اراده
11	5-2- انسان کامل
11	6-2- انسان واپسین
12	7-2- جاودانگی
12	8-2- حیات
12	9-2- دین
13	10-2- دیونوسوس
13	11-2- روح
13	12-2- سعادت
14	13-2- عقل
14	14-2- نفس

14	..... 15-2-وحی
15	..... فصل دوم :انسان شناسی صدرایی
16	..... بخش اول:مبانی فلسفه صدرایی
16	..... 1-1-اصالت وجود
18	..... 2-1-حرکت جوهری
19	..... 3-1-تشکیک حقیقت وجود
20	..... 4-1-اتحاد عاقل و معقول
20	..... 5-1-بسیط الحقیقه کل الاشیا
21	..... 6-1-امکان فقری
22	..... بخش دوم : انسان از دیدگاه صدرایی
22	..... 1-2-تعریف و تلقی صدرایی از انسان
25	..... 1-1-2-انسان خلیفه الهی
26	..... 2-1-2-انسان امانت دار الهی
27	..... 3-1-2-انسان عالم صغیر
29	..... 4-1-2-انسان مثالی از پروردگار
30	..... 5-1-2-انسان نوعی واحد و متکثر
31	..... 6-1-2-متغیر بودن حد وجودی انسان
32	..... 7-1-2-انسان موجودی عاشق
33	..... 8-1-2-انسان برترین موجود هستی
35	..... 2-2-ساحت های انسان
35	..... 1-2-2-بدن
35	..... 2-2-2-نفس
37	..... 1-2-2-2-حدوث نفس
38	..... 2-2-2-2-رابطه نفس و بدن
40	..... 3-2-2-2-مراتب نفس انسانی
42	..... 4-2-2-2-قوای نفس ناطقه
43	..... 1-4-2-2-2-مراتب عقل نظری
43	..... 2-4-2-2-2-مراتب عقل عملی

44	2-2-2-4-3-کمال عقل عملی و عقل نظری
44	2-2-2-4-4-معنای عقل
46	2-2-3-آیا روح همان نفس است
48	2-3-خلقت و آفرینش انسان
50	2-4-هویت و حقیقت انسان
52	2-5-مراتب انسان
54	2-6-انسان و سیر و سلوک
55	2-6-1-حجابها و پرده های سالک
57	2-6-2-سفرهای چهارگانه سالک
59	2-7-انسان و سرای حقیقی
60	2-8-انسان و لذت
61	2-9-انسان و حیوان
64	2-10-انسان و جایگاه آن در هستی
66	2-11-انسان و معرفت شناسی
66	2-11-1-تعریف علم
66	2-11-2-اقسام علم
67	2-11-3-قوای ادراکی نفس
68	2-11-4-مراتب نفس بر اساس ادراک
68	2-11-5-خود شناسی
69	2-12-انسان و کمال
71	2-12-1-انسان کامل
74	2-12-1-1-ویژگیهای انسان کامل
76	2-13-سعادت و شقاوت
77	2-13-1-سعادت حقیقی
78	2-13-2-شقاوت
80	<b>بخش سوم : لوازم انسان شناسی صدرایی</b>
80	3-1-پایبندی به اخلاق
82	3-2-پرستش و بندگی



85	1-2-3-تعریف ایمان
86	2-2-3-مراتب ایمان از دیدگاه ملاصدرا
86	3-2-3-طبقه بندی افراد بر حسب ایمان
87	4-2-3-آثار ایمان در زندگی بشری
87	3-3-حکومت الهی
88	1-3-3-غرض از وضع قوانین و نوامیس الهی در اندیشه صدرا
89	4-3-اختیار و آزادی
91	5-3-معنای زندگی
92	1-5-3-شروع
93	1-1-5-3-مرگ
96	<b>فصل سوم : انسان شناسی نیچه</b>
97	<b>بخش اول:بررسی مفاهیم بنیادین اندیشه نیچه</b>
97	1-1-بازگشت جاودان
99	1-1-1-دیدگاه مفسران نیچه پیرامون نظریه بازگشت جاودان
100	2-1-اراده معطوف به قدرت
101	1-2-1-اراده معطوف به قدرت در نگاه دیگران
102	3-1-مسأله حقیقت در دیدگاه نیچه
103	4-1-نیست انگاری
106	<b>بخش دوم:بررسی انسان در اندیشه نیچه</b>
106	1-2-تلقی نیچه از انسان
110	2-2-ساحت های انسان
113	3-2-ارزش انسان
113	1-3-2-احترام و کرامت انسان
114	4-2-انسان در مسیحیت
115	1-4-2-آرمان انسان مسیحی
116	2-4-2-نقد نیچه بر انسان شناسی مسیحیت
117	5-2-انسان و هنر
118	6-2-انسان و روانشناسی

120.....	7-2-انسان و تاریخ.....
120.....	8-2-انسان و لذت.....
121.....	9-2-انسان و معرفت شناسی.....
122.....	9-2-1-عقل و خرد.....
123.....	10-2-انسان و حیوان.....
124.....	11-2-انسان و عشق.....
125.....	12-2-انسان و هستی.....
128.....	13-2-ابر انسان.....
131.....	13-2-1-تکوین ابر انسان.....
131.....	13-2-2-ابر انسان در نگاه اندیشمندان.....
132.....	13-2-3-ویژگیهای ابر انسان.....
135.....	<b>بخش سوم: بررسی لوازم انسان شناسی نیچه.....</b>
135.....	3-1-اخلاق مداری یا اخلاق ستیزی.....
137.....	3-1-1-طبقه بندی اخلاق در نگاه نیچه.....
138.....	3-1-2-نقد نیچه بر اخلاق.....
139.....	3-1-2-1-نقد اخلاق مسیحیت.....
141.....	3-1-3-نتایج قابل استنتاج از اصول اخلاقی نیچه.....
142.....	3-2-عدم بندگی و پرستش.....
143.....	3-2-1-خدا.....
144.....	3-2-1-1-مرگ خدا.....
146.....	3-2-2-نگاه نیچه به دین.....
148.....	3-3-حکومت اشرافی.....
150.....	3-4-آزادی.....
151.....	3-5-معنای زندگی.....
153.....	3-5-1-مرگ.....
155.....	3-5-2-بازگشت جاودانه همراه با شرور یا خیر.....
157.....	<b>فصل چهارم: نقد، جمع بندی و نتیجه گیری.....</b>
158.....	1-1-نگاه به انسان.....

160.....	2-1- هویت انسان .....
161.....	3-1- انسان و خدا .....
162.....	4-1- انسان کامل و ابر انسان .....
166.....	5-1- اخلاق .....
168.....	6-1- آزادی .....
168.....	7-1- حکومت .....
169.....	8-1- حیات حقیقی و لذت .....
170.....	9-1- سعادت و جاودانگی .....
171.....	10-1- مرگ .....
172.....	11-1- معنای زندگی .....
172.....	12-1- قدرت .....
174.....	13-1- نیچه فیلسوفی ماتریالیست .....
175.....	14-1- معرفت شناسی .....
176.....	نتیجه گیری .....
179.....	منابع و مأخذ .....

# **فصل اول : کلیات و اصطلاح شناسی**

**1- بخش اول : کلیات**

**2- بخش دوم: اصطلاح شناسی**

## بخش اول: کلیات

### 1-1- مقدمه

انسان شناسی صدرایی تنها انسان شناسی است که با رویکردهای مختلفی به انسان نگریسته است. صدرا در نگاه خود به انسان هم رویکرد فلسفی دارد، هم رویکرد عرفانی و هم رویکرد دینی. در حقیقت می توان ادعا نمود، چنین انسان شناسی جامع ترین انسان شناسی است. مرتبه و منزلتی که وی برای عقل در اندیشه خود قائل است او را از انسان شناسی های عرفانی جدا می سازد. بر خلاف عرفا که در سیر و سلوک انسان به جاهایی می رسند که عقل آدمی را ناتوان از رسیدن بدانجا می دانند، در تمام سیر انسان-شناسی او رد پای عقل دیده می شود. چرا که نگاه او به خدا و هستی نگاه عقلانی است. در اندیشه او خداوند عقل مطلق است و تمام مراحل سیر و سلوک، عقلانی هستند. از طرفی انسان شناسی چنین فیلسوفی آنقدر به قرآن نزدیک و تحت تأثیر آیات الهی است که گویی او از نگاه عقلانی به انسان-شناسی خود غفلت ورزیده است و از سویی با بر شماری مراتب عقل عملی و نقش آن در سیر و سلوک انسان، بسان یک انسان شناس عرفانی و با تهذیب نفس خود به چنان مراتب بالای انسانی رسیده است که گویی جهان عرفان، عارفی به بزرگی او ندیده است. انسان صدرایی موجودی سالک است و برای بازگشت به اصل خویش نیازمند به هدایت تکوینی و تشریحی است. او برای رسیدن به مقام انسان کامل باید مراتب عقل نظری و عملی را طی نماید. او در رسیدن به قرب الهی چهار سفر در پیش دارد که عبارتند از: 1- سفر از خلق به حق 2- سفر از حق به حق با حق 3- سفر از حق به خلق با حق 4- سفر از خلق به خلق با حق.

انسان صدرایی موجودی در پی جاودانگی است. او جاودانگی خود را در سرای دیگر جستجو می کند و مرگ را تنها پلی برای انتقال خویش به سرای جاوید می پندارد. در حقیقت هدف از انسان-شناسی صدرایی رسیدن به مقام و درجه انسان کامل است. انسانی که در دایره وجودی امکان، نزدیک ترین موجود<sup>1</sup>، به باری تعالی است.

اما از سوی دیگر با انسان شناسی مواجه هستیم که تعارضات بنیادینی با انسان شناسی صدرایی دارد. نیچه در انسان شناسی خود در صدد وارونه کردن دنیای افلاطونی و هر آنچه که مشابه چنین دنیایی است، می باشد. وی نگاه خود را از آسمان مثل افلاطونی به سوی شکوه و جلال زندگی خاکی بر می گیرد. شاید به جرئت بتوان گفت در قرن نوزدهم نیچه تنها کسی باشد که به اعماق حیات انسانی رسیده است. او در حقیقت خود را مواجه با دورانی می بیند که انسان، بزرگی و عظمت خود را در زیر

<sup>1</sup> در اندیشه صدرایی منظور از قرب، قرب مکانی نیست بلکه قرب معنوی است.

سایه یک اراده مطلق از دست داده است و عشق به انسان و احترام به او و امید بستن به او از دلها بیرون رفته است. در حقیقت وی با اعلام مرگ خدای مسیحی خواهان بازگرداندن عزت و بزرگی انسان است. او از طرفی با مرگ خدا، جامعه بشری را در شرف ورود به یک نیست انگاری بزرگ می بیند. زیرا با فرو ریختن تمام ارزشهای مسیحی دیگر چیزی برای انسان ها باقی نمی ماند. نیچه برای غلبه بر خداوند و نیست انگاری و برای خلق ارزشهای نوین به جهت ناتوانی خدای دینی و متافیزیکی در خلق چنین ارزش هایی، نظریه ابر انسان را مطرح می کند. مرتبه ای از انسان که فقط والاتباران توانایی رسیدن بدان را دارند.

نیچه با نسبی دانستن اخلاق، انسانها را در دو طبقه خواجهگان و بردگان قرار داده است و با قرار دادن انسانهای مسیحی در طبقه بردگان عملاً تمام ارزشهای انسانی را در زیر پاهای خویش لگد مال نموده است. برای غلبه و چیرگی بر مرگ، نظریه بازگشت جاودان را مطرح می نماید، نظریه ای که بر اساس آن خواهان جاودانگی انسان در روی کره خاکی است. زیرا او سرای حقیقی خود را همین کره خاکی می داند و عاشق زمین است.

در حقیقت در این پایان نامه قصد ما بر این است، با نگاه منصفانه به آراء نیچه، به برشماری نقاط ضعف این اندیشمند تأثیر گذار قرن 19 پردازیم.

این پایان نامه شامل چهار فصل است. فصل اول آن دارای دو بخش است. بخش اول آن اختصاص به تعریف مسأله، سؤالات تحقیق، فرضیه ها، ضرورت تحقیق، سابقه تحقیق، تاریخچه مختصری از شناخت انسان، تعریف انسان شناسی و ضرورت شناخت انسان دارد. در بخش دوم هم که اختصاص به اصطلاح شناسی دارد. مفاهیمی از قبیل آپولون، انسان کامل، ابر انسان، سعادت، جاودانگی، عقل، دین، روح، دیونوسوس، آزادی، اراده، وحی، حیات و نفس مورد بررسی قرار گرفته اند.

در فصل دوم به بررسی انسان شناسی صدرایی پرداخته ایم که مشتمل بر سه بخش است. در بخش نخست به مبانی فلسفی صدرایی پرداخته ایم. به عقیده نگارنده مبانی فلسفی صدرا پایه و اساس انسان شناسی او را تشکیل می دهد. در حقیقت آگاهی از اصالت وجود، حرکت جوهری در بحث هستی شناسی انسان و همچنین آگاهی از اتحاد عاقل و معقول در بحث معرفت شناسی انسان در اندیشه صدرایی بسیار مهم تلقی می شود. در بخش دوم به بررسی شناخت انسان از دیدگاه صدرایی پرداخته ایم. در این بخش به تلقی صدرا از انسان، مسأله نفس که یکی از مبانی ترین عناصر هر انسان شناسی است، کمال انسان، بررسی سفرهای چهار گانه، جایگاه معرفت شناسی در انسان و انسان کامل که غایت انسان شناسی صدرایی است، پرداخته ایم. در بخش سوم لوازم انسان شناسی صدرایی را مورد بحث قرار داده ایم. ما در این بخش دیدگاه صدرایی را پیرامون اخلاق، آزادی، حکومت، پرستش و بندگی انسان و معنای

زندگی مورد بررسی قرار داده ایم. در حقیقت نشان داده ایم که با توجه به انسان شناسی صدرایی، انسان در این اندیشه موجودی پایبند به اخلاق الهی است. آزادی او در ذیل اراده مطلق الهی است. او پذیرنده حکومت الهی است و تنها خداوند را شایسته پرستش می داند و با حل چالش مرگ، جاودانگی را که میل به آن در فطرت همه انسانها قرار دارد محقق ساخته است.

فصل سوم اختصاص به انسان شناسی نیچه دارد و آن خود مشتمل بر سه بخش می باشد. در بخش نخست مفاهیم بنیادین فلسفه نیچه مورد ارزیابی قرار گرفته است، زیرا با آگاهی از مفاهیمی چون اراده قدرت، بازگشت جاودان، نیست انگاری و دیدگاه وی در باب حقیقت است که می توانیم به تصویر روشنی از انسان در اندیشه نیچه دست یابیم. در بخش دوم به بررسی انسان از دیدگاه نیچه ای پرداخته ایم. ساحت های گوناگون انسان در اندیشه نیچه را مورد بحث قرار داده و نگاه نیچه به انسان مسیحی و تصویر خود نیچه از انسان و در نهایت ابر انسان که غایت انسان شناسی نیچه ای است را مورد بررسی قرار داده ایم. در بخش سوم لوازم انسان شناسی از دیدگاه نیچه را مورد بررسی قرار داده ایم. در این بخش سعی ما بر این است، با توجه به انسان شناسی نیچه ای نگاه وی پیرامون اخلاق، آزادی، حکومت، پرستش و معنای زندگی را بررسی نموده و مشخص نماییم آیا در نگاه نیچه انسان موجودی پایبند به اخلاق است؟ آیا انسان پرستش و بندگی خدا را خواهد پذیرفت؟ طبق دیدگاه وی از انسان نوع حکومت او چگونه خواهد بود. آیا او حکومت الهی را می پذیرد؟ یا به مانند اومانئیستها قائل به حکومت دموکراسی بر اساس خرد جمعی می شود و یا...؟ آیا او با انکار حیات اخروی برای رسیدن به سعادت می تواند بر چالش مرگ غلبه نماید؟ و نگاه او به آزادی چگونه خواهد بود.

در فصل چهارم که آخرین فصل این پایان نامه است به مقایسه، داوری و نتیجه گیری پرداخته شده است. در حقیقت ما در این فصل با بر شماری شباهتها و تفاوت های آرای این دو اندیشمند پیرامون انسان (انسان کامل و ابر انسان)، اخلاق، قدرت، سعادت و...، آرای نیچه را بر مبنای اندیشه های صدرایی مورد نقد قرار داده ایم.

## 1-2- تعریف مسأله

انسان به عنوان برترین و پیچیده ترین موجود نظام آفرینش همواره مورد توجه مکاتب آسمانی و دینی از یک سو و مکاتب مادی و بشری از سویی قرار گرفته است. در حقیقت هر دو مکتب به طرق خویش از حقوق و آزادیهای انسان سخن گفته و هدف خویش را در تعالی انسان و تحقق حقوق و منزلت انسانی بیان می دارند. اما با این تفاوت که مکاتب آسمانی ودینی خدا را محور هستی قرار داده و به انسان به عنوان محورترین موجود خلقت نگریسته است و مکاتب مادی و بشری و در رأس آنها مکتب اومانیسم انسان را به عنوان محور هستی قرار داده است. در این پایان نامه دیدگاه نظام صدرایی و نیچه ای در خصوص انسان شناسی مورد توجه قرار گرفته و ضمن بررسی تفاوتها و شباهتهای دیدگاههای ایشان، انسان شناسی نیچه ای بر مبنای انسان شناسی صدرایی مورد نقد قرار می گیرد.

پایبندی به ارزشهای سنتی، تبعیت از ارزشهای مطلق، عدم توان خلق ارزشها و فقدان خود آفرینی در انسان سبب شکل گیری اندیشه انسان برتر در نیچه است. در حقیقت هدف نیچه از بحث انسان شناسی صرفاً ارائه تصویری از انسان برتر است. انسانی که همواره در اوج شکوفایی کامیابانه است. موجودی زمینی و فاقد جنبه های معنویست و چنین انسانی هیچ گاه سر در سودای لذتهای روحی و زندگانی روحانی ندارد و با پشت پا زدن به ارزشهای کهن، در صدد خلق ارزشهای نوین است. چنین انسانی همواره در صدد کسب قدرت بوده و توجه ویژه ای به تن مادی خویش دارد. این دیدگاه تلقی مادی گرایانه از نفس و روح آدمی دارد و عقل را نیروی خطرناک و زایل کننده زندگی و خادم جنبه حیوانیت و نیازهای غریزی بشریت می داند. و همچنین عقل را در مرتبه تأخر از غرایز قرار می دهد.

در نظام صدرایی به انسان به عنوان موجودی متافیزیکی نگریسته می شود. انسان موجودیست که دارای حقیقت ملکوتیست و صرفاً در بعد جسمانی خلاصه نشده است، دارای گوهر غیر مادی به نام نفس است. در این نظام به انسان به مثابه موجودی که با خدا ارتباط وجودی دارد و حرکتش به سوی هدف و غایت خاصی است نگریسته می شود و به پرسشهایی که در زمینه های گوناگون از قبیل معنای زندگی، مرگ، کمال و... برای انسان مطرح است پاسخ داده می شود. از ویژگیهای منحصر به فرد این نظام جامعیت آن در معرفی انسان است. در حقیقت شاکله انسان شناسی آن بسان مثلثی است که یک ضلع آن را انسان شناسی فلسفی و ضلع دیگر آن را انسان شناسی عرفانی و ضلع سوم آن را انسان شناسی دینی تشکیل داده است، و از سویی پیوند وثیق و ناگسستنی تعالیم این مکتب با کتاب آسمانی (قرآن) بر غنای آن افزوده است.

در حقیقت شناخت هرچه کاملتر آن غنای اندیشه ی ما را در رویارویی با اندیشه های اومانیستی عصر حاضر فزونی بخشیده و مانع نفوذ فزاینده ی این اندیشه در جوامع اسلامی که امروزه در قالب اومانیسم اسلامی مطرح است، می شود.



### 1-3- طرح سؤال های تحقیق

- 1- تعریف انسان از دیدگاه صدرایی و نیچه ای چگونه است؟
- 2- وجه اشتراک و تمایز این دو نظام از حیث انسان شناسی چیست؟
- 3- لوازم اخلاقی و اجتماعی دو نظام انسان شناسی تا چه میزان قابل مقایسه است؟

### 1-4- فرضیه های تحقیق

- 1- در اندیشه صدرایی، انسان تجلی خدا، غایت خلقت، اشرف مخلوقات و یگانه موجودی است که روح خدا در او دمیده و صبغه الهی دارد.  
در اندیشه نیچه ای، انسان موجودی زمینی و فاقد جنبه های معنویست. و روح در این اندیشه صرفاً بخشی از تن تلقی می شود.
- 2- هدف هر دو نظام تعالی انسان و تحقق منزلت و سرور انسانی می باشد. ولی معنای تعالی و نیز راههای نیل به آنها یعنی عقل و آزادی در ایشان معانی متفاوتی دارد.
- 3- در هر دو اندیشه انسان موجودی آزاد و اخلاق مدار است. در اندیشه صدرایی اراده و اختیار انسان در طول اراده خداوند است و اخلاق امری الهی است. در نگاه نیچه آزادی انسان اساساً با مرگ خدا میسر می شود، اخلاق به معنای استعلایی وجود ندارد و دستاورد بشری است.

### 1-5- سوابق پژوهشی موضوع

با توجه به اهمیتی که مسأله انسان شناسی دارد، مقالات و پایان نامه هایی در این خصوص نوشته شده است. اما تاکنون مقایسه و نقدی پیرامون انسان شناسی نیچه ای بر مبنای صدرایی صورت پذیرفته است. در باب انسان شناسی صدرا پایان نامه ای تحت عنوان (انسان شناسی ملاصدرا) در سال 1383 توسط خانم اقدس گاراژیان، در دانشگاه قم نوشته شده است. و همچنین پایان نامه ای تحت عنوان (انسان شناسی ملاصدرا با توجه به حرکت جوهری) توسط خانم معصومه عسگری در سال 1387 در دانشگاه تربیت مدرس نوشته شده است. پیرامون مسأله انسان در حکمت متعالیه مقالاتی تحت عنوان (حکمت متعالیه و انسان) در مجموعه مقالات دهمین همایش بزرگ ملاصدرا (اول خرداد 1386) به چاپ رسیده است. همچنین مقاله آقای علی اله بداشتی تحت عنوان (انسان شناسی صدرالمتالهین) در مجموعه مقالات هشتمین همایش ملاصدرا (اول خرداد 1384) به چاپ رسیده است.

سایر مقالات و کتبی که در این زمینه به رشته تحریر درآمده اند عبارتند از:

- مرضیه اخلاقی، نگرش صدرا بر پیوند وجودی انسان با حکمت و فلسفه، فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی، سال نهم، شماره 31-30.

-مرضیه اخلاقی، هدایت و ضلالت انسان در حکمت متعالیه صدرایی، فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی، سال هشتم، شماره 24-25.

-حسین کرمی، مقایسه اجمالی مفهوم «ارتباط» و نقش آن در انسان شناسی صدرای و یاسپرس، سروش اندیشه، سال دوم، شماره پنجم.

-محمد علی نویدی، اصول انسان شناسی ملاصدرا، خردنامه صدرای، شماره 51، بهار 1387.

-رضا رضازاده، درآمدی بر انسان شناسی ملاصدرا، خردنامه صدرای، شماره نوزدهم، بهار 1379.

-قدرت الله قربانی، مبدأ و معاد انسان در پرتو حرکت جوهری ملاصدرا، فصلنامه علمی و پژوهشی دانشگاه قم، سال هشتم شماره دوم.

-رضا اکبریان، جایگاه انسان در حکمت متعالیه، خردنامه صدرای، شماره 50، زمستان 1386.

-محمد بیدهندی، بررسی نسبت انسان با حقیقت، خردنامه صدرای، شماره 40، تابستان 1384.

-معصومه کرامتی، تبیین و نقد نظریه انسان برتر نیچه و دلالت های تربیتی آن در تعلیم و تربیت، مجله روانشناسی و علوم تربیتی، سال سی و هفتم، شماره 2. البته قابل ذکر است که مقاله فوق پایان نامه بوده است.

-مسعود رضوی، طلوع ابر انسان، تهران، انتشارات نقش جهان، چاپ اول، 1381. (کتاب می باشد)

## 1-6- تاریخچه شناخت انسان

تفکر در خصوص انسان به فیلسوفان پیش از سقراط و به ویژه متفکران هم عصرش، سوفسطائیان بر می گردد. پروتاگوراس معتقد بود انسان مقیاس همه ی چیزهاست، مقیاس هستی چیزهایی که هست و مقیاس نیستی چیزهایی که نیست<sup>1</sup>. سقراط نظام خاصی در زمینه انسان شناسی پدید نیاورد، وی با کانون قرار دادن انسان به عنوان محور اندیشه، زمینه میل به پرداختن به آن را فراهم نمود<sup>2</sup>.

در دوره پیش از قرون وسطی از زمان فیلسوفان پیش از سقراطی تا دوره قرون وسطی، محور توجه تمام اندیشمندان و فیلسوفان آن عصر، علم کیهان شناسی بود. اما دوره قرون وسطی با الهام مسیحی تصور و مفهوم خدای یکتایی را پیش کشید که خالق کیهان و انسان بود. در حقیقت خداشناسی در این دوره بر جهان شناسی استیلا یافت. اما در دوره رنسانس رهایی انسان از استیلا ی خدا و جهان، ظهور انسان شناسی فلسفی را در پی داشته و در این دوره هست که انسان بر خدا و جهان استیلا می یابد. اما در این دوره خداوند به طور کامل انکار نشده است<sup>3</sup>.

<sup>1</sup> کاپلستون، فردریک، تاریخ فلسفه یونان و روم ج 1، ص 106.

<sup>2</sup> دیرکس، هانس، انسان شناسی فلسفی، ص 11.

<sup>3</sup> حلبی، علی اصغر، انسان در اسلام و مکاتب غربی، صص 116-118.

## 1-7- تعریف انسان شناسی

هر منظومه معرفتی که به بررسی انسان، بُعد یا ابعادی از وجود او یا گروه و قشر خاصی از انسانها می پردازد، انسان شناسی نامیده می شود.<sup>1</sup> انسان شناسی به بررسی اصل و تبار انسان، همراه با رشد مادی، اجتماعی، فرهنگی و رفتاری او در گذشته و حال می پردازد.<sup>2</sup> انسان شناسی علمی است که موضوعش مطالعه و شناخت علمی انسان است، انسانی که بر دریاها بی آرام، روده‌های پر قدرت، نور آفتاب و ستارگان دیده حیرت می‌گشاید، غافل از اینکه خود عجیب ترین راز هستی را در بردارد. انسان شناسی یا آنتروپولوژی از دو واژه یونانی Antropos (انسان) و Logia (شناخت) ترکیب شده است. در سال های 1950، کلود لوی استرس واژه انگلوساکسون (انسان شناسی) را به معنی مطالعه بر موجودات انسانی در همه ابعاد آن وارد زبان فرانسه کرد.<sup>3</sup>

انسان شناسی انواع مختلفی دارد که به لحاظ روش یا نوع نگرش از یکدیگر متمایز می شوند. بر اساس **روش** مقوله انسان شناسی به چهار دسته طبقه بندی می گردد: 1- تجربی 2- عرفانی 3- فلسفی 4- دینی.

بر اساس **نوع نگرش** به دو طبقه: 1- گاهی بعد خاصی از انسان، گروهی به خصوص و یا انسانهای زمان یا مکان ویژه ای مورد نظر قرار می گیرند. این نوع از انسان شناسی، انسان شناسی **جزء نگر** نامیده می شود. 2- گاهی انسان به طور کلی و با صرف نظر از بُعد، شرایط و زمان و مکان مورد توجه است به چنین نوع از انسان شناسی، انسان شناسی **کل نگر** گفته می شود.<sup>4</sup>

همچنین از نظر گاه دیگری انسان شناسی دارای شعب گوناگونی است که عبارتند از:

1- انسان شناسی جسمی: به شناخت تکامل بدن انسانی و مطالعه مسیری که پیموده و به شکل کنونی خود رسیده توجه خاص دارد.

2- انسان شناسی فرهنگی: به مطالعه رسوم و نمونه های رفتار اجتماعی انسان می پردازد.

3- انسان شناسی اجتماعی: رشته ای از انسان شناسی فرهنگی است که بخشی از فرهنگ را مطالعه می کند.

4- زبان شناسی: جنبه ای از فرهنگ است که مطالعه علمی آن به عنوان یک رشته به انسان شناسی فرهنگی مربوط می شود.<sup>5</sup>

<sup>1</sup> رجبی، محمود، انسان شناسی، ص 21.

<sup>2</sup> حلبی، علی اصغر، انسان در اسلام و مکاتب غربی، ص 15.

<sup>3</sup> مارک اوژه -ژان پل کولن، انسان شناسی، ترجمه ناصر فکوهی، ص 22.

<sup>4</sup> رجبی، محمود، انسان شناسی، ص 21-24.

<sup>5</sup> ادیبی، حسین، زمینه انسان شناسی، صص 6-15.

5- باستانشناسی، مردم شناسی و مردم انگاری از شعب دیگر انسان شناسی هستند .

**کانت انسان شناسی را به لحاظ موضوع طبقه بندی می کند او قائل به سه گونه انسان شناسی است : 1- انسان شناسی علمی: شناخت انسان متوجه به آنچه مهارت او را افزایش می دهد، است. 2- انسان شناسی نظری: شناخت انسان به طور کلی و استعدادهايش. 3- انسان شناسی اخلاقی: شناخت انسان درباره آنچه که خرد باید در زندگی بیافریند، می باشد<sup>1</sup>.**

### 1-8- منشأ پیدایش انسان

در باب منشأ پیدایش انسان نظریات بر دو گونه تقسیم می شوند: 1- نظریه ثبوت انواع یا فیکسیسم: این نظریه، انواع را ثابت و همه موجودات را از ابتدای آفرینش تاکنون لایتغیر می داند. 2- نظریه تغییر انواع یا ترانسفورمیسم: این نظریه سعی در تبیین این مسأله دارد که پیدایش انسان را با اعتقاد به تغییر انواع تبیین کند. از پیروان این نظریه می توان به انکسیماندر، لوکریتوس و داروین اشاره نمود<sup>2</sup>.

### 1-9- ضرورت شناخت انسان

شناخت انسان راهی برای شناخت خداوند است. در حقیقت یکی از بهترین راهها برای شناخت خدا و حتی پی بردن به صفات او شناخت انسان است، بدون شناخت انسان استعدادها و نیازهای وی عقیم می ماند و بهره برداری صحیح از استعدادها و ارضای صحیح نیازها میسر نخواهد شد. مسأله اساسی تربیت به حل و فصل نهایی نخواهد رسید و تکالیف و وظایف انسان ناشناخته باقی خواهد ماند. موجودیت، اعتبار علوم انسانی، جهت گیری علوم انسانی و تحقیقات اجتماعی مستلزم شناخت صحیح انسان است. معناداری زندگی انسان و پشتوانه سازی کلیه نظامهای اخلاقی و اجتماعی منوط به شناخت صحیح و جامع انسان است<sup>3</sup>.

مسأله معاد مبتنی بر شناخت حقیقت انسان است، چگونگی شناخت انسان در تلقی ما از معاد ضرورت دارد. برای مثال اگر ما برای انسان قائل به روح شویم، پذیرش معاد قابل قبول خواهد شد و در صورت عدم پذیرش روح، دیگر مسأله معاد فرض معقولی نخواهد بود. تا حقیقت آدمی شناخته نگردد، معیارهای صحیح اخلاق نیکو و تشخیص آنها از اخلاق نکوهیده میسر نخواهد شد<sup>4</sup>.

به طور خلاصه می توان گفت شناخت صحیح و درست از خداوند، نبوت و معاد رابطه تنگاتنگی با مسأله شناخت انسان دارد.

<sup>1</sup> لالاند، آندره، دایره المعارف فرهنگ علمی و انتقادی فلسفی، ص 46.

<sup>2</sup> ادیبی، حسین، زمینه انسان شناسی، صص 58-59.

<sup>3</sup> رجیبی، محمود، انسان شناسی، صص 25-26.

<sup>4</sup> مصباح یزدی، محمد تقی، معارف قرآن، صص 323-324.